

بینشهای غلط مذهبی!

در شمارهٔ پیش فساد رژیم حکومت در زمان ساسانیان که اجتماع را از درون پوسانیده و آماده يك انقلاب همه جانبه کرده بود، مورد بررسی قرار داده شد اینک فساد تشکیلات مذهبی آن دوره را که از عوامل پیشرفت اسلام در این منطقه بوده مورد بررسی قرار میدهیم:



هزاران بی گناه را روی زمین میریختند! امادین رسمی کشور که از ناحیهٔ سلاطین ساسانی و دستگاه حکومت حمایت میشد، آئین زرتشت بوده است و لذا بررسی ما نیز دربارهٔ نظام فکری و اعتقادی این آئین میباشد:

آئین زردشت

در اینکه زرتشت که بوده و درجه محیطی بدنیا آمده و درجه تاریخی زندگی میکرده؟ و آیا از پیامبران الهی و دارای کتاب آسمانی بوده یا آنکه از مسلمین اجتماعی و احیاناً موجود افسانه‌ای بوده؟ اموری است که دانشمندان در بارهٔ آنها نظرات

با آنکه اصل پیدایش مذاهب، به خاطر رهبری کردن صحیح افکار و عقائد مردم و ارائه دادن عالیتین برنامه‌های زندگی است، در زمان ساسانیان مذهبی که در ایران حکم فرما بوده خود از عوامل انحراف افکار و ترویج خرافات و بد آموزی و اختلاف، به شماره پرفته اند.

مقارن ظهور اسلام، ادیانی از قبیل: زرتشتی، یهودی، نصرانی، مانوی، صابئی و مزدکی در ایران رواج داشته هر کدام کم و بیش، دارای پیروانی بوده‌اند که چه بسا بخاطر امور جزئی باهم به جنگ و نزاع می‌پرداختند و خون

درصد ناپود کردنش بر آمد .

«اوهرمزد» که از آینده آگاهی داشت مصافی بمدت ۹۰۰۰ سال با وی طرح افکند ، اهریمن که فقط از ماضی آگاه بود ، رضا داد ، آنگاه اوهرمزد به او پیشگوئی کرد که این جدال باشکست عالم ظلمت خاتمه خواهد یافت .

از استماع این خبر اهریمن سخت متوحش شد و مجدداً به عالم تاریکی در افتاد و سه هزار سال در آنجا بی حرکت بماند ، اوهرمزد در این فرصت دست به آفرینش جهان زد و چون کار خلقت بپایان رسید ، گاو را بیافرید که موسوم به گاو نخستین است ، پس آنگاه انسانی بزرگ خلق کرد به نام گیومرد (کیومرث) که نمونه نوع بشر بود ، آنگاه اهریمن به آفریدگان او حمله برد و عناصر را بیالود و حشرات و هوام مضره را بیافرید و اوهرمزد در پیش آسمان خندقی کند ، اهریمن مکرر حمله کرد و عاقبت گاو و گیومرد را به کشت ، اما از تخمه گیومرد که در دل خاک نهفته بود ، چهل سال بعد گیاهی رست که اولین زوج آدمی به اسم «مشیک» و «مشیانگ» از آن بیرون آمد .

دوره آمیزش نور و ظلمت که آنرا «گمیزش» گویند ، شروع شد ، انسان در این جنگ خیر و شر به نسبت اعمال نیک یا بد خود از یاران نور یا از اعوان ظلمت شمرده می شود ...

سه هزار سال پس از ظهور انسان ، زردشت برای تعلیم خلائق و هدایت آنان بدین بهی ظهور کرد ، در موقع ظهور او بیش از سه هزار سال از عمر

مختلف و گوناگونی ابراز داشته اند (۱)

دین اصلی او هر چه بوده کاری نداریم ، آنچه که از او به یادگار مانده و مقارن ظهور اسلام ، در ایران رواج داشته است مورد توجه ما است زیرا نادرستی همین نظام فکری و اعتقادی بوده که محیط را برای پذیرش آئین جهانی اسلام آماده ساخته بود . آئین زردشت در زمان ساسانیان (مقارن ظهور اسلام) آنچنان آمیخته با خرافات و دستخوش تحریف و تغییر شده بود که بکلی با چهره اصلی یکدین آسمانی فرق داشت ، مسائلی در متن آن داخل شده بود که هیچگاه نمیشد باور کرد که يك آئین آسمانی دارای چنان مسائلی باشد و ما ذیلاً فهرستی از آن مسائل ناممقول را یاد آور می شویم :

۱- افسانه آفرینش !

« کریستن سن » ایران شناس دانمارکی افسانه خلقت را طبق مندرجات اوستای ساسانی اینطور نقل میکند : « ... عمر دنیا بالغ بر ۱۲۰۰۰ سال است ، در سه هزار سال نخستین عالم ، اوهرمزد (عالم روشنائی) و اهریمن (یا عالم تاریکی) در جوار یکدیگر ، آرام میزیسته اند . این دو عالم از سه جانب نامتناهی بوده فقط از جانب چهارم به یکدیگر محدود میشده اند .

دنیای روشن در بالا و عالم ظلمانی در زیر قرار داشته و هوا فاصله آنها بوده است . مخلوقات «اوهرمزد» در این سه هزار سال ، در حال امکانی (مینوکیها) بودند ، پس اهریمن نور را دیده

(۱) به کتابهای تاریخ ادیان دکتر ترابی علی اصغر حکمت - ملل و نحل شهرستانی - تاریخ جامع

ادیان مراجعه شود .

دنیا باقی نمانده بود» (۱)

عقرب ، خشکسالی ، سرمای یخبندان ، زمستان و ... از نوع شرورند ! و چون دو چیز متضاد نمی شود از يك مبدأ ناشی شود از اینرو باید برای جهان دو مبدأ قائل بود: مبدأ خیر و مبدأ شر و لذا اهورامزدا را آفریدگار خوبیها و اهریمن (انگر می نیو) را خدای بدیها پنداشتند و میان آنها جنك دائمی قائل شدند !

و کم کم در پیرامون اهورامزدا آلهه دیگری با صور گوناگون که شماره آنها از صدها هزارها تجاوز میکند به ظهور رسید و خدایان باستانی اعصار اولیه اقوام آریائی باهاله ای از ، جدد و عظمت بار دیگر در کتاب اوستا چهره نمائی کردند ، « بهمن » خدای زراعت ، « آشا » خدای آتش « خاشا تردا » پروردگار معادن و احجار « آرمی تی » خدای خاک « هوروتاتی » خدای آب « امراتات » خدای نباتات « وایو » خدای باد و « میترا » خدای مهر و صدها خدای دیگر به اشکال مختلف با اهورامزدا در خدائی شریک شدند و زرتشتیان در برابر آنها به عبادت و یا از شر دیوها و اهریمن به افسون و منز و اوراد و از کار پرداختند (۲)

توجیه نادرست

بعضی تلاش میکنند که اصل شرک و دو گانه پرستی را در آئین زردشت به يك وجه معقولی توجیه کنند و لذا میگویند : همانطور که اسلام میگوید : همواره در این جهان میان حق و باطل ، فرشته و

بطوریکه در عبارات فوق دیدیم : آئین زردشت تعلیم میدهد که : عمر دنیا دوازده هزار سال بیش نیست که بعد از تولد زردشت سه هزار سال دیگر بیش از آن باقی نمانده است که اگر تولد او را طبق نوشته و تحقیق آقای اورنگ (۲) که خود زردشتی متعصبی است ۶۵ قرن پیش از مسیح بدانیم قاعدتاً بایستی سه هزار و پانصد سال پیش با اصطلاح عالم کن فیکون شده باشد !!

بعلاوه درباره پیدایش انسان و موجودات مضر و صف بندی اهریمن در برابر اهورامزدا و مبارزه ۹ هزار ساله اش با خداو . . . مطالبی را بیان میکند که به هیچوجه بسا عقل و دانش سازگار نیست و نمیتواند گفته يك پیامبر الهی باشد .

۲- خدا در تعالیم زردشت

گرچه ممکن است آئین زردشت در ابتدا ، آئین یگانه پرستی بوده اما در زمان ساسانیان و مقارن ظهور اسلام ، قطعاً به شرک و دو گانه پرستی تبدیل شده بود .

در این دوره پیدایش پدیده ها اینطور تفسیر میشد : در این جهان دو نوع پدیده که از لحاظ آثار باهم فرق روشنی دارند ، موجودند ، نوع خوب و نوع بد مثلاً روشنائی ، راستی ، سلامتی ، فراوانی نعمت ، اولاد خوب ، باران به موقع و . . . از نوع خیراتند ولی زلزله ، تاریکی ، دروغ ، فقر ، مار ،

(۱) ایران در زمان ساسانیان ص ۱۶۹

(۲) یکتا پرستی در ایران باستان ص ۹۰

(۳) اقتباس از تاریخ جامع ادیان تألیف جان ناس ص ۳۱۴

اودانگراشی نیو، بیکارنشسته و در مقابل هر ولایت خوب ناحیه بدی می آفریند، سرمای یخبندان زمستان، حرارت سوزان تابستان، مارها و افسی های کشنده، مورها و ماخهای جانگزا، توانگران زبانکار و جادوگران سیاهکار و خداوندان و امراء قبائل تورانی (غیر ایرانی)... بنا به فصل ۲۲ کتاب وندیداد: شماره امراضی را که «انگرامی نیو» خالق کرده است به ۹۹۹۹۹۹ میرسد! (۲)

آقای دکتر موسی جوان مترجم کتاب «وندیداد اوستا» در مقدمه آن کتاب در پاسخ کسانی که اهریمن و دیو را همان شیطانی میدانند که اسلام معرفی میکند، چنین مینویسد: «ازلا شیطان مخلوق خداوند است اما اهریمن در آئین زردشت، خود ساخته و بی نیاز از اهورامزدا است.»

دوم شیطان در دین اسلام قوه خلاقه ندارد و چیزی نمیتواند خلق نماید و بیافریند اما اهریمن در اوستا به صفت آفریننده متصف شده و میتواند علاوه از دیوها و پریان نامرئی، جانداران محسوس و مرئی از قبیل: وزغ، مورچه، مار، عنکبوت، حشرات، گرگ را خلق کند و بیماری و آفت پدید آورد. سوم اهریمن همه جا با خدای زردشت رقابت میکند اما شیطان در برابر خداوند متعال عاجز و ناتوان میباشد.

چهارم مرگ و سرما و زمستان در دین زردشت مخلوق اهریمن است اما در دین اسلام، مرگ، سرما، زمستان (همه چیزهایی که بنظر ما بد و شر هستند) مفید و سودمند و خوب میباشد (۳) کوتاه سخن اینکه: بینشای غلط مذهبی، محیط ایران را آماده برای پذیرش اسلام کرده بود زیرا اسلام یک آئین ساده و در عین حال منطقی و دور از خرافات و بدآموزیها بود، و همین اصل از عوامل پیشرفت اسلام بشمار میرود. (این بحث ادامه دارد)

شیطان، ایمان و کفر، جنگ و نزاع وجود داشته و دارد و سعادت و خوشبختی از آن کسی است که طرفدار حق و فرشته و ایمان باشد، آئین زردشت نیز تعلیم میدهد: اهریمن با اهورامزدا در ستیز است مزدپرست بایستی از دیو و اهریمن بگریزد و به مزدا و «امشاسپندان» یعنی فرشتگان پناه برد (۱)

ولی این توجیه با محتوای اوستای ساسانی وفق نمیدهد زیرا شیطان در آئین اسلام، قدرت آفرینندگی ندارد تنها در عالم انسانی عامل تحریک و وسوسه بر کارزشت شناخته شده است اما همانطور که دیدیم طبق مندرجات اوستا، جهان به دو قسم خیر و شر تقسیم شده خوبیها آفریده اهورامزدا و بدیها آفریده اهریمن است.

«جان ناس» دانشمند معروف در این باره مینویسد: «اعتقاد به مبدأ شر و عامل تباہکاری و خطا در طول زمان، تحولی حاصل کرده و رفته رفته دین زردشت را به صورت یک آئین دوگانه پرستی (دو آلیزم) اخلاقی در آورد...»

در طی زمان «انگرامی نیو» ابلیسی نیرومند گردیده است که در برابر اهورامزدا مقاومت کرده و آن هر دو بصورت دو عامل متساوی با یکدیگر به ستیز و نبرد پرداختند.

در قطعات و اجزای اوستا که از آثار قرون اخیر است «انگرمی نیو» را همشآن و همطراز خدای اهورامزدا می شناسند تا جائیکه میگویند آن دودر خلقت عالم بطور مساوی شریک و انباز بوده اند. در فصل اول کتاب «وندیداد» اهورامزدا را چنین وصف میکنند که وی برای زردشت سرگذشت نزاع و کشمکش خود را با «انگرامی نیو» در هنگام آفرینش جهان نقل کرده است حتی بعضی از ولایات و نواحی ایران را مخلوق و مصنوع خود دانسته و آنها را بزبور کمال و جمال می آراید ولی در برابر

(۱) مراجعه شود به کتاب یکتا پرستی نگارش اورنگ ص ۲۲۱

(۳) مجموعه قوانین زردشت یا وندیداد اوستا ص ۲۲

(۲) تاریخ جامع ادیان ص ۳۱۶